



نسرین حسینی احضار شد

نسرین حسینی، روزنامه‌نگار و مدیرمسئول هفته‌نامه «سیاحت شرق»، روز یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲ جهت تحمل حبس هفت‌ماهه خود احضار شد. نسرین حسینی اهل بجنورد است. آذرماه سال جاری، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان بجنورد نسرین حسینی را بابت نشر اکاذیب محکوم و حکم ۷ ماه حبس برای او صادر کرد. او همچنین باید به‌خاطر عدم رعایت حجاب در ملاعام، یک میلیون تومان جریمه پرداخت کند. نسرین حسینی در شهریورماه ۱۴۰۱ بازداشت و در ادامه به‌طور موقت به قید وثیقه آزاد شد. او که تنها سرپرست پسر ۱۳ ساله خود است در پیامی ویدئویی در مورد احضار برای گذراندن ۷ ماه حبس تعزیری با اتهام تشویش اذهان عمومی از طریق نشر اکاذیب در فضای مجازی، نقل به مضمون گفت، این ویدئو را می‌گیرد تا بابت پیام‌های پر مهری که دریافت کرده است، تشکر کند.



حضور ضابطان قضایی در فردای اقتصاد

از شامگاه دوشنبه ۱۶ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ خبرهایی در فضای مجازی به‌ویژه ایکس (توییتر سابق) منتشر شد که حکایت از حضور ضابطان قضایی در ساختمان کیان محل دفتر سایت «فردای اقتصاد» در میدان آرژانتین داشت. طبق این اخبار خبرنگاران «فردای اقتصاد» از ساعت دو بعدازظهر دوشنبه ۱۶ بهمن‌ماه در ساختمان محل کارشان توقیف شدند. همچنین خبرگزاری میزان با اشاره به حضور مأموران در ساختمان سایت «فردای اقتصاد» نوشت: «با انتشار خبری با موضوع بازرسی ضابط قضایی از محل یک سایت خبری، پیگیری‌ها نشان می‌دهد بازرسی از محل این رسانه هیچ ارتباطی با فعالیت خبرنگاری و رسانه‌ای نداشته است.» سابقه این رسانه تصویری به سال ۱۳۹۹ برمی‌گردد؛ زمانی که تلویزیون اینترنتی «پورسان» پا به عرصه نهاد. «پورسان» در روزنامه‌نگاران و تحلیلگران اقتصادی ادغام شد و به «فردای اقتصاد» تغییر نام یافت. «فردای اقتصاد» سایتی خبری-تحلیلی است که سردبیری آن را علی میرزاخانی برعهده دارد.



مهدی افشارنیک بازداشت شد

مهدی افشارنیک، خبرنگار اقتصادی هفته گذشته، احتمالاً روز چهارشنبه، ۱۱ بهمن‌ماه بازداشت شده است. اعتمادآنلاین ضمن اعلام این خبر نوشت افشارنیک سابقه خبرنگاری در روزنامه‌هایی مانند «اعتماد» و «شرق» را در کارنامه خود دارد. هنوز دلیل بازداشت این خبرنگار اعلام نشده و مشخص نیست کدام نهاد مسئول این بازداشت است. همچنین خبرگزاری میزان، ارگان اطلاع‌رسانی قوه قضائیه با اشاره به بازداشت مهدی افشارنیک نوشت: «با انتشار خبری با موضوع بازداشت یک خبرنگار سابق اقتصادی، پیگیری‌ها نشان می‌دهد بازداشت فرد مورد اشاره هیچ ارتباطی با فعالیت خبرنگاری و رسانه‌ای نداشته است. این گزارش حاکی است، در پرونده مفتوح قضایی تشکیل شده با این موضوع، هیچ اتهام رسانه‌ای و خبری نیز وجود ندارد و اتهامات در حوزه دیگری در حال بررسی است.»

قافله سالار

نگاهی به فرهیختگی اخلاقی در چشم انداز پیامبر اسلام (ص)

نگاه مذهبی



متنی که در ازای تمام نعمت‌هایش بر انسان گذاشته است، نه از باب منت گذاشتن، بلکه فقط از جهت بیان اهمیت مسئله است که توجیه می‌شود. پیامبر اکرم (ص)، به‌عنوان کسی که تربیت‌کننده و سازنده نفوس انسانی و الگوی اخلاقی بشریت است، مورد اشاره اکید خدای متعال قرار گرفته و همین اشاره می‌تواند پرده از اهمیت مسئله تربیت اخلاقی و سازندگی روحی انسان بردارد.

بررسی عملکرد تربیتی پیامبر (ص)، بیش از هر چیز در تحلیل وضعیت و موقعیت تربیت‌یافتگان مکتب ایشان، امکان‌پذیر است. پیامبر اکرم (ص) با وجود تمام محدودیت‌هایی که در امکانات آن دوران از حیات بشری وجود داشته (محدودیت از نظر شیوه‌های آموزشی و معلمان تربیتی)، توانسته تمام آموزه‌های اخلاقی آیات قرآن را به‌شاگردان مکتب خود، بر حسب ظرفیت بیاموزد. این نتیجه درخشان، نشان‌دهنده عظمت و مهارت ایشان در امر تربیت و تعلیم اصول اخلاقی است و اهمیت الگوپردازی از سیره این حضرت را برای استخراج اصول و مبانی اخلاقی، بیش از پیش آشکار می‌کند.

مبانی اخلاقی سیره پیامبر (ص)

پیامبر اکرم (ص) به‌منظور از میان بردن زحمت‌ها و پرورش فضیلت‌های اخلاقی، با برخی روش‌ها به آموزش اصول و مبانی اخلاقی پرداخته‌اند و به‌این ترتیب در جهت تربیت اخلاقی مترقیان خود حرکت کرده‌اند. تمام این اصول بر مبنای باورمندی به خدای متعال شکل گرفته‌اند، بنابراین ماهیتی توحیدی دارند؛ در نتیجه اصلاح حیات دنیوی و اخروی انسان، فقط در سایه اصلاح رابطه او با خدا و به‌عبارتی، اصلاح اصول اخلاقی اوست که صورت می‌پذیرد و از همین جاست که چرایی این گفتار از پیامبر (ص) که فرموده‌اند: «من مبعوث شدم تا اخلاق نیکو را تکمیل کنم»، آشکار می‌شود. تحقق اخلاق نیکو، همان اصلاح رابطه انسان با خدا و به‌منزله دمیده‌شدن روح حیات در زندگی دنیوی و اخروی آدمی است.

تحلیل عمیق روش‌ها و اصول تربیت اخلاقی پیامبر (ص)، نشان می‌دهد که ایشان ابتدا با تکیه بر ویژگی‌های عمومی نوع انسان، سه مبنای کلی و خدشه‌ناپذیر را برای تربیت اخلاقی تمام انسان‌ها (و نه برخی از آنها) در نظر گرفته‌اند، سپس از هر مبنای اصل (و در مجموع سه اصل) (به‌عنوان قواعد کلی استخراج کرده‌اند که به کمک آن مری بتواند در موقعیت‌های پیچیده و جدید، تصمیم‌گیری روشن‌بینانه‌ای داشته باشد و در نهایت نیز برای هر اصل، دوروش تربیتی (و در مجموع شش روش) تعریف کرده‌اند که به کمک آن استخراج دستورالعمل‌های جزئی برای اجرای تغییرات مطلوب امکان‌پذیر باشد. در ادامه و به‌منظور آشنایی کلی با رویه عملکرد تربیتی پیامبر (ص)، هر یک از این مبانی، اصول و روش‌ها به اختصار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

مبانی اول

همانگی عقل و وحی

در سیره پیامبر (ص)، عقل و وحی مکمل یکدیگرند و هر دو می‌توانند در تشخیص ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و شناخت دزایل به انسان کمک کنند و در این میان، آنچه مهم است این است که نه عقل و نه وحی، هیچ کدام به‌تنهایی قادر به شناساندن راه حق از راه باطل نیستند و فقط با همراهی عقل و در شاگردی مکتب پیامبر (ص) (به‌عنوان شریع) است که می‌توان به این سعادت دست یافت. عقل و وحی در واقع همان دو حجت ظاهر و باطن هستند که هیچ کدام نمی‌توانند مستقل از دیگری در خدمت بشر قرار بگیرند و راه سعادت را به‌آونشان بدهند. عقل فقط اصول و قواعد کلی را استخراج می‌کند و برای شناسایی دستورهای جعلی و تقلبی، به‌شدت به راهنمایی وحی نیاز دارد؛ یعنی برای اینکه بتواند مصداق‌های قواعد کلی را پیدا کند و آنها را بر احوالات و اوضاع خاص

به کمالات مورد نظرش، فقط از وجود نیروی عقل، اراده و اختیار بهره می‌برد و در نظر نمی‌گیرد که برای به فعلیت رساندن تمام کمالات بالقوه وجودی اش، علاوه بر نیروهای ذکرشده، به‌شدت به عنصر تشریع نیز نیازمند است.

مکاتب مختلف، از این‌رو که دیدگاه و توانایی محدودی دارند و انسان را کمتر از آن چیزی در نظر می‌گیرند که ظرفیتش را دارد، برنامه جدی و کاملی نیز برای رشد و تعالی او ندارند، اما نگرش دینی، به این دلیل که برآورنده نیاز تشریعی انسان نیز هست، این قابلیت را دارد که به تمام شایستگی‌ها و کمالات‌های انسانی توجه کند.

۴ با توجه به پیچیدگی تأثیر دوجانبه تفکر دینی و تفکر اخلاقی، نقد و بررسی این رابطه از درچه چشم فیلسوفان مختلف، راه را برای آشنایی بیشتر با زوایای این بحث هموار می‌سازد. فیلسوفان مغرب‌زمین در تاریخ اندیشه، رویکردهای مختلفی به رابطه دین و اخلاق داشته‌اند. در یک نگاه کلان به دورویکرد می‌توان اشاره کرد؛ نخست اینکه دین، بنیان‌گذار اخلاق است؛ بنابراین هر چه رادین به آن امر کند، خیر و هر چه را که از آن نپسندد، شر است. رویکرد دوم عقل بشری را پایگاهی برای اخلاق می‌داند.

بانگاهی به‌متفکران یونان باستان مانند افلاطون و ارسطو در می‌بایم که در نگاه آنها، اخلاق به خودی خود مستقل از دین است. پس از دوره یونان باستان، در قرون وسطی نیز شاهد اهمیت رابطه دین و اخلاق و تقابل دو نگاه هستستی، در یک طرف اردوگاه فیلسوفان و الهی‌دانانی مانند «اگوستین» و «اسلم قدیس» را داریم که اخلاق را مبتنی بر دین می‌دانستند و در دیگر سو، شخصی مانند «آکویناس» وجود دارد که در نظرش اخلاق مستقل از دین است. اما در دوره پس از روشنگری و بعد از آن یعنی دوره مدرن، با پیشرفت چشمگیر علمی در گستره‌های گوناگون، همچنین تحولی بنیادین در پاره‌ای از مسائل اجتماعی و اقتصادی، شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد. تعارض‌های جدیدی میان علم، اخلاق و دین شکل گرفت و رویکردهایی جدید به رابطه دین و اخلاق پدید آمد. بنابراین در آستانه سده بیست‌ویکم، جهان در شرایطی جدید واقع شد؛ از سویی دیدگاه‌هایی افراطی در نقد دین و اخلاق فروزی گرفت و از طرفی پاره‌ای از فیلسوفان غربی و مسلمان سخن از بازگشت به اخلاق بر زبان آوردند. بحث از رابطه میان اخلاق و دین در فرهنگ اسلامی نیز سابقه‌ای کهن دارد. درگیری‌های کلامی اشاعره و معتزله در باب عقلی یا نقلی بودن حسن و قبح نمونه‌ای تاریخی برای این موضوع است.

پیامبر! الگوی تمام‌قد اخلاقی

انسان موجودی است که برای به‌ظهور رساندن تمام جنبه‌های وجودی خود، نیاز دارد در تمام ابعاد تربیتی به اعتلا رسیده باشد. این ابعاد از جمله بُعدهای عقلانی، اجتماعی، جسمانی و اخلاقی، زمانی بشر را به‌نهایت کمال خواهند رساند که در نهایت توازن با یکدیگر باشند. اما در این بین، بُعد اخلاقی به‌عنوان مهم‌ترین جنبه، می‌تواند با بود و نبود خود، تعیین‌کننده ارزش یا بی‌ارزشی ابعاد دیگر باشد. دین اسلام (همچون سایر ادیان) بر خلاف مکاتب بشری، به ارزش «الگو داشتن» برای تربیت واقف است و بر همین اساس است که برای ترسیم و تصویر نهایت ظرفیت انسانی، به یک مورد عملی و عینی، به‌عنوان پیامبر (ص) اشاره می‌کند. پیامبر اکرم (ص)، به‌گواه کتاب آسمانی قرآن، آنچه از گفتار و سیره‌اش بر جای مانده و به‌استاد تربیت‌یافتگان مکتب‌اش، تمام کرامت‌های اخلاقی را در گفتار و رفتار به‌منصه ظهور رسانده و به‌عنوان وجود عینی‌ت یافته تمام آیات الهی، مناسب‌ترین الگو برای بشر است. به‌استناد قرآن، خدای متعال با برانگیختن پیامبر اکرم (ص)، بر مؤمنان منت گذاشته زیرا ایشان تلاوت‌کننده آیات الهی، تزکیه‌کننده نفوس و آموزنده کتاب و حکمت است. تحلیل جزئی این موضوع، به‌وضوح نشان می‌دهد که منت‌گذاری خدای متعال (به‌عنوان تنها



مصطفی سلیمانی

پژوهشگر دین و فلسفه

دین و اخلاق از اموری است که تمام وجوه حیات معنوی انسان را پوشش می‌دهد و از سطحی‌ترین لایه‌های زندگی گرفته تا عمیق‌ترین جنبه‌های روح و جان آدمی نفوذ دارد و می‌توان در پرتو این دو نهاد اختصاصی انسانی سعادت حقیقی و کمال نهایی را به‌چنگ آورد. از این‌رو دین و اخلاق دغدغه بسیاری از انسان‌ها در درازای تاریخ فرزندان آدم در روی زمین بوده و هست. تاریخ پر فراز و نشیب جوامع انسانی، در لابه‌لای خود از انسان‌های بزرگی سخن می‌گوید که جان در راه اعتلای این دو نهاد ارزشمند و باشکوه گذاشته‌اند.

دین اسلام، به‌عنوان آخرین دین، خودش را یک مکتب جهان‌شمول، همه‌جانبه‌و غنی معرفی کرده که می‌تواند تأمین‌کننده تمام ابزارهای رشد و اعتلای انسان‌ها باشد. در نگرش اسلام، به فعلیت رسیدن تمام قوای انسانی، تنها در سایه تخلی به اخلاق الهی است که صورت خواهد پذیرفت و پیامبر (ص)، به‌عنوان رسول این دین، خود متخلق به این اخلاق است و هدفش در بعثت‌اش را تکمیل‌کننده اخلاق نیکوبرشمرده است.

اینکه مبنا و اصول اساسی تربیت اخلاقی پیامبر (ص) و روش‌های ایشان و اهل بیت‌شان برای تحقق اخلاق نیکو و رابطه دین و اخلاق چیست، موضوع قابل بحثی است که این مقاله متکفل پرداخت بدان است.

ضرورت بازگشت به اخلاق

۱ با وجود اهمیت دین و اخلاق و همراهی این دو در دوره‌های مختلف تاریخ و تأثیر انکارناپذیر آنها در تعالی انسان‌ها، در تاریخ مغرب‌زمین اتفاقاتی افتاده که بحث از نسبت دین و اخلاق به‌صورت جدی مورد پرسش قرار گیرد و متفکران در مورد ربط و نسبت این دو به تأمل بنشینند. حاصل این تأمل‌ورزی‌ها، پی‌ریزی نظریه‌هایی در این باب است. البته مراد این نیست که این پرسش در گذشته مطرح نبوده یا در دنیای غرب مطرح نشده است، بلکه مراد این است که نگرش متفاوت به این مسئله متأثر از تحولاتی است که پس از رنسانس در غرب اتفاق افتاده است.

۲ انسان‌ها، چه به یک دین خاص باور داشته باشند و چه نه، همواره محتاج تربیت اخلاقی‌اند. این تربیت در عصر حاضر، به‌شدت مغفول مانده و نشانه‌های انحطاط اخلاقی در سرتاسر جوامع بشری هویدا شده است. پیشرفت فناوری و سرعت ارتباطات در عصر کنونی، سرعت سیر و گسترش مفاسد اخلاقی را نیز به‌طور کامل تحت‌تأثیر خودش قرار داده و مرزهای فساد اخلاقی به‌نسبت دوره‌های پیش از خود، با سرعت باورنکردنی‌ای در حال شکست‌شدن است. در دسترس بودن اطلاعات، سبب نفوذ اخلاقیات منحط در اقصی نقاط جهان شده و آنچه می‌تواند وضعیت سقوط اخلاقی را بیش از پیش بغرنج کند، بی‌اعتنایی مریبان تربیتی و اخلاقی به نیازهای اخلاقی جوامع است. پیشرفت‌های چشمگیر عرصه علوم تجربی و فناوری‌های اطلاعاتی، نسل جدید را به‌شدت نسبت به ارزش‌های اخلاقی و فضایل انسانی بی‌اعتنا کرده و همین امر، ضرورت ورود متفکران تعلیم و تربیت به این عرصه را به‌خوبی روشن می‌کند.

۳ از زاویه دید برخی متفکران، انسان امروزی، گویی که به‌تکامل قوای تکوینی و نیروهای طبیعی در وجود خودش بسنده کرده باشد، جایگاه ویژه خود در جهان هستی و روح الهی دمیده‌شده در وجود خودش را از یاد برده است. او در شرایط کنونی، غالباً برای دستیابی